



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۲۷

عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت بیست سوم)

تجربه بما بوضاحت نشان داد که هیچ کشوری خارجی برای ما صلح و آرامش به ارمان نمی آورد، بر عکس همه برای منافع خود وکشور هایشان تا کنون فقط جنگ، برادر کشی و ویرانی مادی و معنوی را به کشور ما به ارمان آورده اند، یونانی ها، مغول ها، عرب ها، فارس ها، انگلیس ها، روس ها، پاکستانی ها، امریکایی ها و دیگران همه و همه با ورود شان در کشور ما جنگ را با خود آورده اند همه شان تنها استراتژی های حمله به کشور ما برای دستیابی به منافع خودشان راداشته اند و هیچکدام شان به عواقب فاجعه بار این لشکرکشی ها برای کشور و مردم ما حتی کمترین توجه را نکرده اند که بعد از هر حمله ویرانگر این لشکر کشان با چند دسته شدن مردم بومی در دفاع و مخالفت با سیطره بیگانه و نبود روحیه ملت واحد و منافع ملی کشور ما از لحاظ ساختار اداره و سرزمین دستخوش بحرانات عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردیده است که هر بار اعمار مجدد کشور و ساختار های آن برای مردم ما بسیار گران تر از مخارج و تباهی های مادی و معنوی جنگ تمام شده است.

در اینجا یک مکث کوتاه از راهبرد قدرت های بزرگ و شرکت های تسلیحاتی در بروز بحران ها و مدیریت این بحران ها هم خالی از مفاد نخواهد بود.

این کاملاً واضح است که بحرانات بین المللی و منطقوی عمدتاً بوسیله قدرت های بزرگ البته در زمان جنگ سرد بیشتر بوسیله ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی و بعد از آن بیشتر در تحت استراتژی های ایالات متحده امریکا و همکاری و همگرایی اتحادیه اروپا، روسیه بوسیله کشور های زیر حوزه نفوذشان ایجاد میگرددند و حق مدیریت این بحران ها را هم تقریباً همیشه برای خود شان محفوظ نگه میدارند. معمولاً بحران ها بوسیله نفوذی های این قدرت ها از طریق کودتا های نظامی، تظاهرات و آشوب های خونین خیابانی، به قول این قدرت ها " نا فرمانی ها"، تهیه اسناد جعلی از خطرات احتمالی منطقوی و بین المللی و جابجایی مهره های کلیدی در دولت ها که منجر به مشاجرات، اختلافات و زد و خورد ها میان رهبران گردیده و هر کدام برای تقویت موضع شان در زیر شعار های دروغین و اغواگرانه از میان مردم شان سرباز گیری کرده و دامنه آشوب ها را تا خارج از مرز هایشان توسعه میبخشند و درست همینجاست که بنابر خود فروختگی، کوتاه نظری و درک نا کامل از اوضاع ملی و بین المللی و پیامد های

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

مداخله خارجی، زمینه مداخله خارجی برای کشور شان را فراهم میگردانند که کنترل اوضاع از دست شان خارج شده و مدیریت بحران بدست آنها می افتد که روی این بحران سرمایه گذاری کرده بودند. اما آنچه برای کشور شامل حوزه بحران در بعد داخلی بسیار از اهمیت فراوان برخوردار است همانا واکنش اداره این کشور ها در قبال این بحران ها و دیدگاه هایشان برای برون رفت از این بحران میباشد اگر در افغانستان نه حکومت با طالب و نه سایر نیرو های سیاسی و شبه نظامی در میان خود و با دولت کنار نمی آیند، اگر در عراق حکومت با مخالفین سنی و شیعه و کرد ها با همه توافق ندارند، اگر در سوریه حکومت با مخالفین سنی و سیاسی و کرد ها و همه در میان هم توافق نمی کنند و اگر اسرائیل با فلسطینی ها به موافقه نمیرسند، اگر در یمن حوثی ها با سایر هموطنان خودشان توافق ندارند، اگر در لیبیا همه مخالفین سرباز اجیر کرده اند و کشور شان را گرفتار آشوب بزرگ کرده اند و اگر عربستان سعودی با ایران بر سر یک اجماع منطقی توافق نمیکند و در هر کجایی دیگر این کره خاکی که نزاع و کشمکش جریان دارد معلومدار است که نظامهای این کشور ها نه بر پایه دولت – ملت استوار بوده بلکه بر پایه همین کشمکش ها و نزاع های ذات البینی در جدال دایمی بسر میبرند و بدین ترتیب فضای نظامی – امنیتی حاکم بوده همکاری و همگرایی در میان خبگان و مردم مفقود میباشد که بدین ترتیب فرصت بسیار ارزشمند برای شرکت های تسلیحاتی ایجاد شده و باعث حضور قدرت های بزرگ برای رقابت با همدیگر بر سر توسعه جایگاه و نفوذ میگردد که کفاره مادی و معنوی همه این شاخ و شانه کشیدن ها و رقابت های این قدرت های بزرگ را مردمان مسکون حوزه بحران میپردازند. چون مدیریت این بحران و کلید حل مسایل مورد مناقشه و خود مهره های نفوذی بدست قدرت های بزرگ بیرونی میباشد بناً مسایل آنقدر بغرنج، پیچیده و ذجوانب میگردد که راه حل آن غیر ممکن به نظر میرسد و در حقیقت همین است خواست اصلی بازیگران بازی بزرگ در حوزه های منافع حیاتی یا استراتژیک شان.

به همین لحاظ تأکیدات مکرر من روی توافق ملی، اتحاد همه مردم، اشتراک همگانی بر پایه منافع ملی برای حمایت قاطع از حکومت میباشد، بایست تمام هویت های پراکنده قومی و قبیله‌ای و مذهبی زیر نام بزرگ هویت ملی افغان تمرکز و تجمع کرده و این سلاح مخرب که قدرت تخریب آن بزرگتر از بم هستوی میباشد از دست دشمن بگیرند تا یک حکومت مقتدر که توانایی اداره کل کشور و تأمین امنیت سراسری را پیدا کند و از طرف دیگر در معاملات بین المللی با مشروعیت بیشتر از موضع همه ملت توان چانه زنی را با قدرت های بزرگ و کشور های ذیدخل پیدا کند و مردم بتوانند در فضای امن خواسته هایشان را مطرح کنند و حکومت توانمندی اجرا و برآورده ساختن این خواسته ها را داشته باشد در غیر آن این به هیچوجه منصفانه نخواهد بود تا از کسی چیزی بخواهی که مطمئناً توان پرداخت آنرا نداشته باشد و در سطح منطقه و جهان کشور هایی مختلف دنیا و همسایگان که گروه های از مردم ما را در زیر نام قوم، مذهب، اندیشه، منافع اقتصادی و سایر اختلافات در زیر سیطره خود دارند زیر نام نماینده این گروه ها کلید حل مسئله را محکم بدست خویش نگهداشته و مانند یک پدیده منفعت بار استراتژیک از آن بهره میبرند و حکومت افغانستان در وجود زور گویان محلی و ساحات تحت نفوذ طالبان و داعشیان در مسایل ملی و بین المللی از موضع ضعیف و مشروعیت کمتر برخوردار میباشد و همین مسئله باعث میگردد تا کشور های جهان در برخورد سیاسی، اقتصادی و نظامی در قبال افغانستان محتاطانه برخورد کرده و در بسا موارد از طریق انجوا ها با زور گویان محلی و قوماندانان رابطه های تأمین کرده اند.

مسئله با اهمیت دیگر برای کشور ما همانا دوران پسا داعش در عراق، سوریه و لیبیا میباشد، از قراین اخبار و تحلیل اوضاع کشور بر می آید که فعل و انفعالات و جابجایی ها زیر نام دولت خراسان داعش که بر اساس اسناد منتشر شده داعشیان خراسان آنها شامل مناطق افغانستان و پاکستان هند و گوشه هایی از چین میباشد طی سالهای ۲۰۱۴ تا کنون در افغانستان این را بوضاحت میرساند که پروژه بعدی گرداننده گان داعش بعد از عراق، سوریه و لیبیا احتمالاً افغانستان خواهد بود، به قول محترم حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رییس جمهور افغانستان در مجلس سنای افغانستان مورخ اکتوبر سال ۲۰۱۵ که نیرو های داعش از میان طالبان مخصوصاً طالبان پاکستانی سرباز گیری کرده و در حال گسترش به سمت کشور های آسیای مرکزی میباشد و همچنان غرض تأمین مالی گروپ هایش در صدد دسترسی به بازار مواد مخدر میباشد. گرچه عده از صاحب نظران به این عقیده اند که طالبان به هیچوجه حاضر به دادن مواضع خویش به داعشیان نخواهند بود مگر انکشاف اوضاع کاملاً عکس موضوع را به اثبات میرساند، هم اکنون در ولایات شرقی افغانستان خاصاً ولایت ننگرهار و کنر قسمت اعظم مواضع قبلی طالبان در دسترس داعشیان میباشد و بسا فعالیت های تخریبی، دهشت افگنی و عملیات های انتحاری را بین سالهای ۲۰۱۵ تا کنون را در شهر کابل و ولایات افغانستان این گروپ به عهده گرفته است. از آنجاییکه تهداب ساختاری گروپ های داعش در پاکستان و افغانستان به قول اخبار خاور میانه مورخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۵ از نیرو های طالب و رهبران آنها که در سالهای اخیر شدید ترین حملات تروریستی را علیه شیعیان پاکستان در ایالت های خیبر پشتونخواه و بلوچستان راه اندازی کرده بودند متشکل بوده این را میرساند که از یکطرف فعالیت های تروریستی و دهشت افگانه سالهای اخیر در مساجد و تکایای شیعیان در شهر کابل و ولایات افغانستان کار همین گروپ های داعشی میباشد و از طرف دیگر خطراتی را که این گروپ ها برای کشور های همسایه افغانستان چون ایران، ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان میتواند در آینده ایجاد کند این کشور ها را به فعالیت های تدافعی و پیشگیرانه در ولایات سرحدی ما مجبور ساخته و بنابر همسایگی و روابط عنعنوی

شان با فدراتیف روسیه این کشور را در مسایل افغانستان فعال ساخته و یکبار دیگر بازی بزرگ در منطقه ما و خاصاً افغانستان به جولان خواهد آمد که برای کشور ما با این وضعیت شکنند و نا هنجاری که دارد بسیار گران تمام خواهد شد. اگر مردم ما، سیاستمداران، سیاست گزاران، حکومتیان، قوای مسلح کشور اعم از ارتش، پولیس و ارگانهای امنیتی و عدلی با روحیه عالی و وطندوستی زیر شعار بزرگ منافع ملی دست بدست هم ندهند و جلو این دسایس بزرگ را نگیرند خطرات بزرگی ویرانگر و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ما را تهدید میکند. عده از تحلیل گران به این باور اند که اگر قدرت های بزرگ تصمیمی اتخاذ کنند به هر نحوی و شیوه ای که باشد آنرا عملی میکنند. اما به باور من هر قدرتی در جهان محدودیت ها و مشکلات خویش را دارند و همه به این باور اند که هیچ مشکلی در جهان بوسیله قدرت نظامی و جنگ قابل حل نیست. جنگها بر عکس بی ثباتی ها را بیشتر ساخته و باعث بروز مشکلات عدیده جدید شده اند که این بی ثباتی های منطقی

بی ثباتی های بین المللی را باعث گشته است. بناً اگر مردم ما و حکومت ما بادرک کامل از منافع ملی گام بردارند یعنی مردم با درک از منافع علیای کشور کمر حکومت خویش را ببندند و حکومت هم با این درک بمفهوم واقعی آن در عرصه ملی و بین المللی گام بردارد، دستگاه دیپلوماسی کشور ما با این درک عالی بسیار به خوبی طرفدارانی بیشماری در عرصه بین المللی برایش دست و پا خواهد کرد تا کشور ما را در قبال این مصیبت ویا سایر تهدیدات یاری رسانده و همکار باشند. درک منافع ملی و تعریف مشخص از منافع ملی به همه مصیبت های ما نقطه پایان میگذارد.

بسیاری از جامعه شناسان افغان ویا خارجی برای برائت طرف های درگیر مسایل افغانستان بیشتر معلول ها را بجای علل به مردم ارائه میکنند و تفسیر های ناجور از وضع کشور ما ارائه میکنند. در بیشترین تحلیل ها در عوض ذکر ملت افغان پیوسته از نام اقوام ودرصد های خود ساخته ای شان هم مردم، هم سیاسیون و هم حکومتیان را سر درگم ساخته و همه تنها به این می اندیشند که علل همه در خارج از مرز های افغانستان نهفته است در حالیکه علل در داخل مرز های کشور ما ودر خود ما نهفته است. ما خود نگری نداریم، هیچکدام ما نه تنها مسئولیت ملی خویش را درک نمیکنیم بلکه به کمبودی ها، اشتباهات وگناهان خویش معترف نبوده برای هریک از ناتوانی و اشتباهات خویش ملامت جستجو میکنیم و همه کسر و قصور ها را به گردن حکومت می اندازیم و حکومت هم با نهایت بی مسئولیتی همه این تقصیرات را به گردن خارج و پلان های خارجی ها می افگند و بدین ترتیب فرهنگ منحط بی مسئولیتی روز تا روز وسیع تر شده تا اینکه حالا دیگر تروریستان بین المللی وقاتلین معلوم الحال مردم هم در تحت شعاع همین فرهنگ منحط دعوی رهبری واداره کشور را دارند و عده هم رهبری میکنند. در حالیکه همه مسایل بر میگردد به مردم خود ما، خانه ما را توسط خود ما خراب میکنند، ما افغانان هستیم که بالای ما نام های مجاهد، ملحد، طالب و غیره را گذاشته و وسیله کشتار و ویرانی را بدست ما داده و ما را به کشتار و ویرانی در میان خود ما مشغول ساخته اند و خود شان به فکر آرام در غارت کشور ما و حصول اهداف شان در کشور ما و منطقه مصروف اند.

اگر مردم زیر نام بزرگ هویت ملی درک منطقی از منافع ملی داشته باشند و حکومت شان را در برابر هر نوع تجاوز خارجی حمایت کنند و خود فریب بیگانه را نخورند و حکومت هم با دستگاه طویل و عریض خویش و بادرک عمیق از منافع علیای ملی روابط خویش را با همسایگان بهبود بخشیده ثبات، صلح و آرامش در کشور را تأمین کرده و به این ترتیب پاکستان و ایران را به حیث همسایه های ما این باور برسانند که افغانستان و مردم آن نه تنها هیچ تهدیدی علیه آنکشور ها نبوده بلکه در یک نظام امن منطقی با در نظر داشت منافع ملی منافع استراتژییک و کوتاه مدت آنها را هم تأمین میکند. قناعت دادن استراتژیست های کشور های همسایه، ایجاد یک اجماع منطقی و حمایت بین المللی برای ثبات منطقه و افغانستان کار یک حکومت متخصص ملی با دستگاه دیپلوماتیک که اولاً خود مجهز با فهم منافع ملی آراسته باشد و راه های برون رفت هر بحران را با در نظر داشت منافع ملی افغانستان و کشور های همسایه و منطقه ارائه داده بتواند میباشد. این کار شدنی است تجارب تاریخی و بحرانات معاصر در جهان نمونه های فراوان ارائه میکند که تنها ملت هایی توانسته اند از این بحران ها سرفراز و موفق بدرایند که درک سالم از منافع ملی شان داشته و بر پایه منافع ملی بدور حکومت مقتدر وحدت ملی تجمع کرده و نظام پسا بحران را عالمانه اداره و رهبری کرده اند و بر عکس هستند همین اکنون مثال های فراوان از کشور های چون عراق، لیبیا، سوریه، یمن، سومالیایا، ایتوپیا، سودان، کامرون، گینی، نایجریا، کینیا، اریتریا، جیبوتی، چاد و سایر کشور ها که در آنجا مردم شان درکی از منافع ملی نداشته و پابند به یک هویت ملی و دیدگاه وطن شمول نبوده اند در نتیجه جنگها به بحرانات عمیق تر و عمیق تر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی دچار شده اند که

هر کدام تا حال صدمات خونباری را بر مردم شان همراه با تجزیه های متواتر بر کشور شان تحمیل کرده اند. بناً این کوتاهی از ماست که مردم ما بنابر عدم درک از منافع ملی غلامی بیگانه را ترجیح داده علیه وطن خود قرار میگیرند و حکومت ها و حکومت داران ما همچنان بنابر نداشتن فهم از منافع ملی تنها جیب خود را اداره و حکومت میکنند و توان مدیریت بحران و اداره کشور را ندارند.

مشکلات، کمبودی ها و ناتوانی های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و مدیریتی عدیده ای در کشور ما وجود دارد و تنها وقتی ما برای رفع این مشکلات و کمبودی ها چاره جویی کرده میتوانیم که در گام نخست بصورت علمی

و جامعه شناسانه این مشکلات را تشخیص و تعریف کرده بتوانیم. معمولاً تفاوت های بین داشته ها - امکانات - ظرفیت ها و نیازمندی ها - خواسته ها - آرزو های مردم بیانگر مشکلات میباشد، مشکل از جایی بروز میکند که خواسته، آرزو و نیازمندی وجود داشته باشد ولی همه این ها برآورده نگردد که البته این مسئله در همه امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداره و رهبری و نظامی یکسان صدق میکند و جامعه را زیانمند میسازد. که مؤسسات پژوهشی، تحصیلات عالی و ارگانهای ذیربط حکومت بانیست عوامل وجودی این مشکلات را بصورت علمی و جامعه شناسانه تجزیه و تحلیل کرده و بعد از تشخیص تعریف معین برای این مشکل ارائه کرده و در همکاری و همیاری با مؤسسات مربوط و اداره حکومت روش ها و ظرفیت های رفع این مشکلات را بنمایانند تا از یکطرف مشکل برای مردم شفاف باشد و هم راه های حل و برون رفت آن به مردم واضح بوده تا آنها بدانند که قصور از موجودیت مشکل در کی و از کجا است؟ و قصور ادامه و عدم رفع مشکل در کجاست؟ در گزارشدهی شفاف حکومت طرف اعتماد مردم قرار گرفته و مردم سهم فعال تر در ساختار های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تأمین نظم عامه گرفته و حکومت را در همه عرصه ها همکار میگردند. سرتاسری شدن این پدیده مشروعیت حکومت را افزایش داده و پایه های یک حکومت مقتدر را در محلات و از کران تا کران کشور استحکام میبخشد. در کنار کم آگاهی مردم از منافع ملی و ضعف حکومت در عدم اداره و مدیریت در عرصه ملی و بین المللی هستند چالش های فراوانی دیگری که هر کدام در جای خودش تأثیر بسیار ژرف در عقب مانگی جامعه ما داشته که قابل تأمل بیشتر بوده و ایجاب آنرا دارد تا کمی ژرفتر آنرا به بحث بگیریم. موضوع مشارکت همه اقشار و طیف های جامعه به حیث یک کتله واحد ملت افغان در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تأمین امنیت مهمترین مسئله فرا روی مردم ما میباشد.

(پایان قسمت بیست سوم)

ادامه دارد